

بیانیه علیه جنگ با ایران و سکوت در برابر خونریزی اسرائیل در منطقه و به آشوب کشیدن آن – سکوت همدستی با جنایت است

ما با شدت و قاطعیت کامل حمله نظامی اسرائیل به خاک ایران را محکوم می‌کنیم. این حمله دفاع از خود نیست، بازدارندگی نیست – این یک جنگ است. جنگی با دقت و برنامه‌ریزی و طراحی شده، که در لفافهٔ «پیشگیری» و «دفاع» توجیح شده است، اما در حقیقت نقض آشکار از حقوق بین‌الملل، تجلی‌ای از امپریالیسم، و حمله‌ای بی‌شرمانه به مفهوم عدالت جهانی است.

ما همچین سناریو را پیش‌تر دیده‌ایم: در عراق، افغانستان، لیبی، سوریه. هر بار به ما گفتند که «دفاع از خود» است، یا برای «آزادی»ست، یا برای تضمین «ثبات». و همه اینها دروغی بیش نبود. آنچه باقی ماند، سرزمین‌های سوخته، نسل‌هایی آسیب‌دیده، و جوامعی متلاشی بود. ما بی‌تردید و با انزجار، جنگ تجاوزکارانه اسرائیل را محکوم می‌کنیم – نه تنها در یک جبهه، بلکه علیه ملت‌ها و کشورهای مستقل مختلف. امروز، اسرائیل در حال جنگ علیه:

• **فلسطین:** جایی که غزه با خاک یکسان شده و با بمباران روزانه، قحطی، نسل‌کشی و محو تدریجی هویت روبروست.

• **لبنان:** جایی که جنوب آن روزانه هدف حمله قرار می‌گیرد.

• **سوریه:** جایی که اسرائیل حریم هوایی دمشق و حلب را بی‌وقفه نقض می‌کند.

• **ایران:** جایی که نه تنها سران نظامی و سایت‌های نظامی و هسته‌ای آن مورد سوءقصد و ترور قرار گرفته‌اند، بلکه مردم عادی هم در کوچه و خیابان و خانه مورد هدف قرار گرفته و به جمع جنگ زدگان منطقه اضافه شده‌اند.

• **و فراتر از آن –** عراق، یمن، دریای سرخ – بنای اسرائیل به آشوب و بی‌ثباتی سراسر منطقه است.

این‌ها دفاع نیست.

این‌ها نشانه‌های یک رژیم نظامی اشغال‌گر است – با رهبری راست افراطی تحت فرمان نتانیاهو – که همچون سگ امپریالیسم عمل می‌کند، از سوی آمریکا حمایت می‌شود، با رضایت ضمنی اروپا و ناتو، و با سکوت بخش‌هایی از «جامعه متمدنی» غرب.

آنچه دردناک‌تر است، سکوت مطلق است:

نه تنها کشتار سیستماتیک در غزه ادامه دارد، نه تنها حملات به لبنان و سوریه تشدید شده‌اند، بلکه اکنون ایران نیز هدف قرار گرفته.

واکنش اروپا؟ سکوت.

ناتو؟ سکوت.

چپ‌های لیبرال در کشورهای مثل آلمان؟ بدتر از سکوت – توجیه، سازش، و همدستی.

تروریسم، با واژگان فریبنده

اسرائیل ایران را بمباران می‌کند و جهان در لفافه سخن می‌گوید.

ترورهای هدفمند و حملات فراسرزمینی «پاسخ دفاعی» نامیده می‌شوند.

قتل دیپلمات‌ها به اقدامی مشروع بدل می‌شود.

این‌ها نه تهدید هسته‌ای هستند، نه مقابله پیش‌گیرانه – بلکه تروریسم دولتی است.

نه فقط علیه ایران، بلکه علیه هر گونه استقلال سیاسی و همسو نبودن با آمریکا و اسرائیل در خاورمیانه.

این همان الگویی‌ست که در عراق و لیبی دیدیم: اگر کشورها سرتسلیم فرود نیاورند، باید نابود شوند.

به ما می‌گویند: «آنها خطرناکند».

سپس: بمباران آغاز می‌شود.

تبلیغات به راه می‌افتد.

بدن‌های غیر سفید کشته می‌شوند.

و بمب‌های سفید، به نام «پاکساز» عمل می‌کنند.

واژگان، ابزار خشونت می‌شوند:

• فلسطینیان و حماس «تروریست» خوانده می‌شوند – اسرائیل «دفاع» می‌کند.

• ایران «تنش‌زا»ست – اسرائیل «بازدارنده» است.

• سوریه «بی‌ثبات» است – حملات اسرائیل «ضروری» است.

• لبنان «تهدید» است – اسرائیل «پاسخ حساب‌شده» می‌دهد.

این است منطق نژادپرستی امپریالیستی.

رسانه‌های غربی این کلمات را به ابزار قانع‌سازی برای جنگ بدل می‌کنند.

و به این ترتیب، خشونت غیرقابل قبول، نرمال جلوه داده می‌شود.

بیا بید بی‌پرده باشیم

اگر مردمی که بمباران می‌شوند سفیدپوست، مسیحی یا اروپایی بودند، جهان از خشم به آتش کشیده می‌شد. اما آن‌ها رنگین‌پوست، مسلمان، عرب، کرد یا ایرانی هستند. و برای بسیاری در غرب، همین باعث

می‌شود حمله به آنها و کشتنشان قابل تحمل‌تر - "پیچیده‌تر" و "قابل فهم‌تر" شود
این نژادپرستی است.
این تحقیر امپریالیستی در لباس بی‌طرفی اخلاقی است.

خاورمیانه نمی‌سوزد چون ذاتاً آشفته است

می‌سوزد چون امپریالیسم آن را با له‌لای بلای حرص، آژ، تجاوز و چنگ‌های نیابنی و امپریالیستی خپد به
آتش کشیده است.

از خطوط سایکس-پیکو تا تجاوز و حمله آمریکا به عراق، از کودتای ۱۳۳۲ علیه مصدق تا جنگ ۲۰۰۳ علیه
عراق و تا تجاوز و اشغال کلنیالیستی فلسطین به دست اسرائیل تا حمله امروز آن به ایران - این
آتش‌افروزی‌ها اسم دارند: تجاوز، اشغال، چنگ‌طلبی.

از خطوط سایکس-پیکو گرفته تا اشغال فلسطین، از کودتای سیا در ایران (۱۹۵۳) تا حمله آمریکا به عراق
(۲۰۰۳)، و عادی‌سازی مداوم استعمار شهرک‌نشینان اسرائیلی، این آتش‌افروزی‌ها را باید به اسم خود نام
برد.

• اسرائیل برای «امنیت» دست به بمباران نمی‌زند.

• تام این پروژه‌ها پروژه‌های حفظ سلطه‌اند.

• هدف تثبیت استتیت اسرائیل به عنوان هژمونی غالب منطقه با توسل به نابود کردن هر گونه
مقاومت، یا استقلال، یا حتی تلاش برای ایجاد بدیلی از وابستگی به غرب هست.

سکوت تصمیمی سیاسی است

ما از سکوت قدرت‌های اروپایی - به ویژه آلمان - جایی که حتی سوگواری اگر با دکتترین استتیت همسو
نباشد، جرم تلقی می‌شود، ابراز انزجار می‌کنیم.

ما از بزدلی روشنفکران لیبرال و مدافعان لفظی عدالت و حقوق بگیران آن خسته‌ایم - کسانی که شعار
«حقوق بشر» می‌دهند، ولی در برابر بمب‌هایی که روی بدن‌های رنگین ما فرود می‌آید سکوت می‌کنند.

• فعالان اقلیم که به بهره‌برداری از معادن زغال‌سنگ اعتراض می‌کنند، ولی به جنگ و به
بمباران‌هایی که خاک، آب و هوا را نابود می‌کند بی‌تفاوت‌اند.

• مدافعان مهاجران، که خواهان آزادی مرزها هستند، اما درباره جنگ‌هایی که باعث مهاجرت
می‌شوند حرفی نمی‌زنند.

• جنبش‌های فمینیستی و کوپیر در اروپا که با شعارهای تقاطع‌گرایی راهپیمایی می‌کنند - . در عین
حال، به قیام‌های کوپیر و فمینیستی در ایران، کردستان، سوریه و لبنان که با بمباران از هستی
ساقط شده‌اند، پشت می‌کنند.

◦ جنبش زن. زندگی. آزادی - جنبشی به رهبری زنان، کوییرها و کارگران - نه تنها نادیده گرفته شد، بلکه اکنون زیر موشک‌های اسرائیل و سرکوب رژیم ایران در حال نابودی است.

◦ در سوریه، شوراهای فمینیستی و آنارشویستی در روژاوا با بمب‌های داعش، اسد و ترکیه روبرو شدند - بدون همبستگی بسیار کم یا بدون همبستگی از سوی کسانی که خود را "مترقی" می‌نامند.

◦ در لبنان، فعالان کوییر، دانشجویان و گروه‌های فمینیستی در میان فروپاشی دولت‌ها و بمب‌های خارجی له می‌شوند.

شما نمی‌توانید ادعای ضد فاشیسم کنید و در برابر فاشیسم منطقه‌ای سکوت کنید.
شما نمی‌توانید ضد نژادپرستی باشید، و با سکوت نظاره‌گر مرگ بر مبنای نژاد و ملیت باشید.
شما نمی‌توانید از عدالت بگویید، در عین حال پشت به مردمی بکنید که به شما اجازه مرگشان صادر شده است.

مواضع ما در برابر جنگ

ما با هر جنگ، هر تجاوز و هر اشغال‌گری‌ای مخالفیم و رویکردی گزینشی نداریم.
ما بارها و بارها علیه رژیم خودمان - علیه سرکوب آن در داخل و جنگ‌های نیابتی آن در خارج از کشور - قیام کرده‌ایم. ما همیشه، بی‌تردید بی‌وقفه، در برابر همه اشکال استعمار، امپریالیسم، تروریسم دولتی، اشغال، جنگ و هر نیروی ارتجاعی که منطقه ما را ویران می‌کند، ایستاده‌ایم و می‌ایستیم.

بمباران به آزادی منتهی نشده و نمی‌شود:

نه در عراق،

نه در افغانستان،

نه در لیبی،

نه در سوریه،

نه در ایران،

نه در فلسطین.

جنگ، دموکراسی همراه نمی‌آورد - جنگ پایانی بر امکان هر نوع دموکراسی است.
جنگ رهایی بخش افراد و جامعه نیست - قبرستان آن‌هاست.

خط قرمزهای ما

- ما هیچ توجیه، عذر، یا احساسات گزینشی نسبت به مرگ دیگران نمی‌پذیریم.
- ما هر بهانه‌ای، هر توجیهی و هر نمایش ریاکارانه از اندوه را که کشته‌شدگان غیرغربی را مستثنی کند، محکوم می‌کنیم.

• ما بزدلی کسانی را که از تقاطع‌گرایی سخن می‌گویند اما خشونت امپریالیستی را نادیده می‌گیرند، محکوم می‌کنیم.

• ما منطق امپریالیستی‌ای را که جهان را به «متمدن» و «قابل صرف» تقسیم می‌کند، محکوم می‌کنیم.

• ما سرکوب صداهای ضد جنگ را محکوم می‌کنیم—به‌ویژه صدای مردم خاورمیانه، مسلمانان، و جوامع به حاشیه رانده‌شده را.

• ما سوءاستفاده از اتهام یهودستیزی برای خاموش کردن سخنان ضد استعماری، ضد جنگ، و ضد صهیونیستی را محکوم می‌کنیم.

• ما نه با سران اسرائیل و نه با سران رژیم جمهوری اسلامی ایران هم جهت هستیم — به‌خاطر نظامی‌گری، سرکوب، و بی‌احترامی مشترکشان به مردمی که مدعی نمایندگی‌شان هستند.

این جنگ، جنگ ما نیست.

نه جنگ مردم ایران،

نه جنگ مردم اسرائیل،

بلکه جنگ سیاستمداران، کارخانه‌های اسلحه‌سازی، و حامیان امپریالیسم است.

ما بی‌واهمه از آنچه می‌گذرد نام می‌بریم

رفتار و عمل اسرائیل خاورمیانه دفاع از خود نیست:

این امپریالیسم است، نژادپرستی است، اشغال است، کشتار جمعی است، نسل‌کشی است، تروریسم دولتی است، بی‌ثبات‌سازی منطقه است.

این جنگ ایران را خلع سلاح نخواهد کرد — بلکه فاش‌سیتی‌ترین نیروهای درون آن را تقویت خواهد کرد. صداهای پیشرو را خفه خواهد کرد، خیزش‌ها را در هم خواهد کوبید، و فضای جامعه مدنی را خفه خواهد کرد.

این جنگ امنیتی برای اسرائیل نخواهد آورد—زیرا بزرگ‌ترین تهدید برای اسرائیل، رفتار خود اسرائیل در منطقه است: تجاوزگری و دشمنی‌اش با کشورهای همسایه و ملت‌های منطقه.

این جنگ صلح نخواهد آورد. بلکه خشونت را به تنها ابزار و زبان سیاست بدل خواهد کرد.

ما سکوت نخواهیم کرد؛

نه حالا،

و نه هرگز.